

نویسنده : ایریک دریاستر (Eric Draister).

منبع و تاریخ نشر : کونترپنچ «2015-8-12».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در افغانستان :

جنگ نیابتی علیه ایران و چین

ISIS in Afghanistan: Proxy war Against Iran and China

ماهیت جنگ در افغانستان در این اواخر با وجود درگیری فعال ایالات متحده امریکا و ناتو مبنی بر تا مین استراتژی از قبل تعیین شده شان با کمی تغییر از هنگامیکه اداره «بوش» جنگ را قرین به یک دهه ونیم در این کشور براه انداخت از آن به بعد وضعیت چه در میدان جنگ و چه در چگونگی فعالیت وزیدخل بودن فعال احزاب تغییرات قابل توجهی بوجود آمده است .

ظهور دولت اسلامی عراق و شام «داعش» در افغانستان همراه با خروج قریب الوقوع سربازان ایالات متحده امریکا و «ناتو» از افغانستان ، طالبان را به یک ازدواج مصلحتی با ایران کشانید و اگر نه همچو یک اتحاد اشکار با ایران بجز از یک سناریو ژرف چه چیزی دیگر میتواند باشد . و آنهم فقط چند سال قبل دولت مردان ایرانی پیرو آیین شیعه با رونما شدن تغییرات شرایط در جنگ از طالبان سنی مذهب تند رو حمایت و پشتیبانی نمودند ، گرچه باور کردن بر آن مشکل به نظر می آید . اما اکنون همچو اتحاد با در نظر داشت اوضاع موجود در افغانستان و منطقه یک عنصر حیاتی پنداشته میشود آنطوریکه اهمیت این اتحاد بمراتب بزرگتر از تغییر در موازنه قدرت در داخل کشور میباشد . چیزی مهم دیگر اینکه همین اکنون افغانستان از بسا جهات بین ایالات متحده امریکا و متحدین غرب و شرکای خلیج از یک سو و از سوی دیگر باکشورهای غیر غربی و ایران بعرضه جنگ نیابتی برآمده است و اکثر آگاهان سیاسی چنین افاده مینمایند که این جنگ نیابتی بیشتر علیه ایران و چین میباشد . گرچه خطوط اصلی جنگ بلافاصله اشکار نگردید است که دلیل آن فقط ناشی از نبوغ و بلند پروازی رسانه های غربی و اتاق های تنویر شرکت های بزرگ غرب است که درارایه و افاده ای مضمون و محتوی واقعی تضاد دچار ضعف

وسردرگمی و شکست شده اند.

باید اذعان نمود که وسعت و گسترش داستان جنگ افغانستان که بروی آن همه وقته بحث صورت میگیرد موضوعات تروریسم - ثبات - ملت سازی و حمایت از آن کشور میباشد که این خود یک سوتفاهم اساسی و اشتباه گسترده در شناخت خصوصیات و براه اندازی اجندای این جنگ میباشد.

فلهذا می باید گفت که خطر این اجندا در چه و در کجا است؟ در اینجا میتوان گفت که این اجندا نه کمتر در مورد آینده افغانستان و آسیای مرکزی است بلکه همچنان در مورد ایالات متحده امریکا و متحدین آنست که پیوسته و بطور پیگیر برای پیدا کردن جای پای در منطقه که میخواهند در افغانستان حضور داشته باشند در تلاش اند و برای حضور خود در این کشور در صد د یافتن راهها و شیوهها و بهانه ها برنامه ریزی مینمایند یا این اجندا در مورد موقیعت ایران و چین در کشورهای خودشان برای لحظه ای اجتناب ناپذیر بعد از خروج سربازان ایالات متحده امریکا و باز شدن اقتصاد افغانستان است و یا به عباره دیگر این اجندا در مورد دسترسی به اقتصاد با ز افغانستان توسط چین و ایران بعد از خروج سربازان ایالات متحده امریکا میباشد، لذا با در نظر داشت این همه مواردی که از آن در فوق ذکر کردیم تروریسم و افراط گرایی بطور معمول قوی ترین و نیرومندترین سلاح در این بخش از جهان میباشد

جنگ جدید افغان با ورود و ظهور داعش: بهر صورت بعد از سپری

شدن چند هفته شبیه نظامیان متعهد به گروه داعش در ولایت مهم استراتژیک و حیاتی غزنی یکی از مناطق مهم کشور واقع در شاهراه کابل - قندهار اقدام به گردن زنی دستجمعی مخالفین و یا مردمان آن ولایت نمودند آنچنانیکه این وقوع این رویداد را از قبل بروی نقشه افغانستان نشانی نموده بودند، بعداً مشخص شد که به تاسی از این گردن زنی دستجمعی یک دگرگونی و تغییر قابل توجهی در سرشت از تضاد وجود دارد.

بهر صورت رسانه های غربی مملو از نوشتار و انتشار داستان ها و قصه ها و خبرهای بود که رزمندگان دولت اسلامی (داعش) و طالبان هر دو در تحت پرچم دولت اسلامی علیه مخالفین خود می رزمند ولی بعد ها چنین مشخص شد که این گروه ها بجای آنکه همکاری نمایند به بسیار آسانی و سادگی جنگجویان طالبان بطور ثابت از صفوف خود به صفوف جنگجویان داعش

می پیوندند پس اگر این قصه راست باشد باور بر آن است که گروه «داعش» برای این طالبان که به صفوف داعش پیوسته اند برای آنها پول گداز می پردازد آنطوریکه «**عبدالحی اخوندزاده**» ریس امنیت ملی پارلمان افغانستان در مصاحبه ای ماه جون خود که با دوچ ولیل المان داشت اینطور اظهار نظر نمود :

« باشندگان محل و ما مورین امنیت ملی تاکید بر آن داشتند که

جنگجویان داعش در ولایت ننگرهار (10) تا (15) طالبان

را کشتند طالبانیکه از سالیان متمادی در افغانستان می جنگند و اکنون

می بینند که با ظهور دولت اسلامی (داعش) موقف شان از طرف

اعضای گروه داعش مورد تهدید قرار میگیرد البته که آنها هرگز

نمیخواهند که از موقف خود صرف نظر نمایند و از جانبی

جنگجویان داعش با گذشت زمان در تلاش افزایش تعداد خود

نه تنها در افغانستان اند بلکه در سراسر جهان اند حالانکه طالبان

بخاطر انقراض دولت افغانستان بجنگ وز دو خورد ادامه میدهند».

همچو درگیری ها اکنون بصورت منظم بوقوع می پیوندند که در واقعیت امر نشان دهنده ای رشد و تشدید جنگ بین گروه داعش و جناح طالبان میباشد .

همچنان این جنگ بطور فزاینده جنگی است که از یک سو توسط طالبان

علیه حکومت افغانستان راه اندازی میشود و از سوی دیگر ایالات متحده امریکا

و ناتو توسط کاربران (اعمال) خود به تشدید جنگ بین گروپهای رقیب بخاطر

برتری در میدان جنگ و در زندگی سیاسی کشور دامن زده میشود و یا آتش

بر نفت ریختا نده میشود .

البته سرشت طبعی این درگیری و اختلاف تنها زمانی میتواند از طریق

از مومن حمایت گران کلیدی هر دو طرف درگیر جنگ درک و فهمیده شود یا به

عباره ساده وقتی میتوان سرشت این جنگ را درک کرد که موقف و ایستادگی

حامیان هر دو طرف درگیر به آزمایش گذاشته شود. و در اینجا است که سایه

و شبخ ترور و ارتش نیابتی در جهان را در روشنایی روز مشاهده کرد یعنی

که این شبخ ترور در روشنایی روز دیده خواهد شد که چه قدرت ها و چه

کسانی به حیث حامیان این جنگ قرار دارند.

اکنون به هیچکس پوشیده نیست اینکه دولت اسلامی عراق و شام تمام

اجنسی ها و یا ادارات اطلاعاتی و استخباراتی و دولت های غربی را کمک و معاونت مینماید این گروه بطور مستقیم به حمایت و یا به فراهم آوری تسهیلات و رفع موانع بخاطر توسعه خدمات برای تا مین اهداف سود مند و یا مقاصد از قبل طرح شده در سوریه و عراق تلاش مینمایند و یا دست اندر کاراند.

همچنان قابل تذکر است و آن اینکه یک سند بدنام مخفی سال (2012) از انس اطلاعات دفاعی ایالات متحده امریکا توسط دید بان قضایی بدست آمده و حاکی از آن است: که ایالات متحده امریکا بعنوان یک سلاح در ایجاد و انکشاف دولت اسلامی عراق و شام (داعش) حد اقل از سال (2012) به بعد بمنظور استفاده از آن علیه دولت بشرالاسد کار گرفته است که در این سند چنین میخوانیم:

در اینجا امکان آن میسر است که در شرق سوریه یک دولت اشرافی سلفی چه اعلام شده و چه اعلام نشده ایجاد گردد و این آن موردی است که قدرت های حمایت گر مخالفین دولت بشرالاسد آن را میخواهند تا اگر بتوانند با ایجاد همچو دولت رژیم سوریه را در انزوا قرار دهند که عمق ستراتیژیک از گسترش شیعه در (عراق و سوریه) پنداشته میشود.

علاوه بر آن اجنسی ها یا نمایندگی های اطلاعاتی مانند نمایندگی اطلاعاتی ترکیه (MIT) تسهیلات چندی را بمنظور عبور شبه نظامیان داعش از سرحدات خویش بداخل سوریه مساعد میسازد همانطوریکه ایالات متحده امریکا شبکه تروریزم بین المللی رابخاطر ترور و دهشت افکنی نمودن جای پا در ولایت خینیانگ (xinjiang) چین حمایت می نماید. آنطوریکه معاون ریس جمهور ایالات متحده امریکا **جیوبایدن (Jeo Biden)** طی صحبت خود اینچنین خاطر نشان ساخت:

متحدین ما در منطقه با ما در سوریه مشکل بزرگی دارند.. ترکیه دوست بزرگ ما... و عربستان سعودی... امارات آنها چه میکنند؟ آنها باخود می بالند که میلیون ها دالر و بیه ده ها تن سلاح و مهمات جنگی را به هزاران کسانیکه علیه دولت بشرالاسد می جنگند کمک مینمایند سوای آن مردمانیکه در تهیه و تدارک و انتقال این مهمات و سلاحها همت می گمارند میتوان از سازمان النصر والقاعده و عنا صر افراطی که از دیگر نقاط جهان برای جنگیدن علیه دولت سوریه به اینجا می آیند به قدر دانی یاد کرد. از این همه معلومات های حاصله چنین بر می آید - که فراتر از پنهان کردن

وسوظن میتوان گفت که دولت عراق وشام (داعش) به پیمانہ ای وسیع وهرچه گسترده تر ایالات متحده امریکا و متحدین غربی اورا کمک و حمایت بیدریغ نموده ومی نماید اگر دراین مورد طالب معلومات بیشتر وموثق میباشد میتوانید اظهارات حامد کرزی ریس جمهور اسبق افغانستان را که او خود در طرح وبکار بستن توطئه های سازمان اطلاعات امریکا (سی آی ای) نامحرم وبیگانه نیست گفتنی های اشکار وصریح اورا که در ماه گذشته طی یک اعلامیه در این ارتباط اظهار نمود بدانید وآن اینکه او صریحاً گفت: **ظهور وگسترش وپاگیری دولت اسلامی عراق وشام (داعش) در افغانستان بدون کمک وحمایت بی چون وچرای نیروی خارق العاده خارجی غیر ممکن میباشد!**

هکذا نباید فراموش کرد دولت عراق وشام (داعش) درعراق ودرسوریه در واقعیت امر اساساً برای ایالات متحده امریکا و متحدین خلیج - وترکیه واسرائیل بدون چون و چرا کار نهایت کثیف وپلیدی را انجام داد درلیبیا دولت اسلامی عراق وشام (داعش) بعنوان نیروهای تروریست مسلط در تحت رهبری وکمک های مستند وانکارناپذیر ایالات متحده امریکاعرض وجود کردند.

«داعش» دریمین برای جای پا پیدا کردن به اعمال شنیع تروریستی وآنهم بخاطر تامین منافع حاکمان سعودی ازهیچ عمل غیر انسانی دریغ نورزیدند وزمینہ را برای انکشاف وگسترش ماموریت ایالات متحده امریکا درتقابل با هوتیها (Houthi) شیعه و متحدین اوفراهم نمود.فلذا این دولت اسلامی عراق وشام هست که بصورت موثر واشکاراً ثابت نمود که آن سازمان اجندای ازقبل طرح شده ای ایالات متحده امریکا - ناتو - شورای همکاری خلیج واسرائیل را که به نفع آنها بوده این اجندا را نیز دارد که در افغانستان بکار اندازد.

اتحادایران وطالبان برای مقابله علیه داعش وحامیان آن :

اتحادایران با طالبان به این دلیل میتواند باشد که طالبان خود ازایران طالب کمک وهمکاری شده اند گرچه ایران از تهیه سلاح وکمک های مالی برای گروه طالبان رسماً انکار می ورزد، حالانکه یک منبع موثق درمنطقه تاکید بر آن دارد که ایران همچو کمک ها را به طالبان می نماید و درعین زمان یک عضو ارشد رسمی افغان در صحبتی به ژورنال ستریت بطور

فشرده چنین توضیح داد: ایران در آغاز طالبان را از نظر مالی پشتیبانی و کمک میکرد اما اکنون طالبان را علاوه به حمایت مالی تجهیز و تربیه نیز مینماید پیوسته به آن یک مقام رسمی امنیتی افغانستان چنین ادعا نمود و آن اینکه ایران از شبیه نظامیان طالبان در کمپ های تربیوی نظامی واقع در تهران - مشهد - زاهدان و ولایت کرمان میزبانی می نماید یعنی طالبان را با مهارت های جنگی آشنا میسازد پس در اینصورت میتوان گفت که میزان همکاریها بین این دو طرف داخل سطح جدید از همکاریها شده است و اگر با آنهام نظربه ادعای مقامات ایالات متحده امریکا و مقام ارشد افغانی مبنی بر کمک های ایران برای طالبان شک و شبیه داشته باشید- باید اذعان کرد که این اتحاد استراتژیک برای طالبان احساسی خوبی باید به ارمغان آورد چونکه ایران علیه داعش در سوریه و عراق می جنگد پس برای ایران لازم می افتد تا فعالیت ها و گسترش این گروه تروریستی داعش را در کشور همسایه خود افغانستان دنبال و بررسی نماید .

علاوه بر آن ایران این موضوع را بخوبی میداند که «داعش» سلاح موثر و یگانه قدرت منطقی در تفاهم با رقبای اش همچو ترکیه و عربستان سعودی میباشد آنها یکه (ترکیه و عربستان سعودی) نخست بمنظور دوام جنگ در سوریه باهم مدغم و یکجا شدند و تلاش بخرج دادند تا جلو اتحاد ایران - عراق - سوریه و حزب الله را بگیرند بناً از نظر چشم انداز ایران جنگ طالبان علیه داعش و حامیان آن یک تیاتر جدید میباشد .

افزون بر آنکه در اینجا هنوز هم یکی دیگری از منطبق سیاسی مهم پشت سر پیشنهاد های تهران به طالبان وجود دارد: **وسیله نفوذ و دسترسی**. ایران در حال آماده سازی شرایط برای خروج قریب الوقوع نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان میباشد و شدیداً علاقمند آنست تا مطمئن شود که در دولت آینده جدید افغانستان دوستانی داشته باشد بشمول برخی از اعضای برجسته طالبان که ممکن در موقیعت های مهم دولتی قرار گیرند. در حرکت های اخیر مذاکرات صلح با شرکت طالبان ایران تنها این نقطه را میخواهد که درستاد تصمیمگیری توافق صلح که شاید نیروهای غیر دولت اسلامی را در افغانستان غیروابسته باهم متحد سازد سهم قابل ملاحظه ای داشته باشد .

چین و افغانستان جدید: ایران به یقین شریک در حملات افسونگرانه

در جنب طالبان و بویژه در صف چین قرار میگیرد و آن اینکه طی چند ماه گذشته سراسیمگی ناشی از شایعات مبنی بر اینکه چین با علاقمندی مفرط نقش میزبان را برای هیات های افغانی و طالبان در مذاکرات صلح هر دو طرف درگیر بازی میکند جوی سیاسی را فرا گرفته بود. و آنهم به هدفی که چین با این حرکت خویش میخواهد که اساساً به تغییر بیلانس قدرت در افغانستان و منطقه بپردازد اگر چنین فرض شود که گذارشات همه درست و صحیح اند و نشانه ها نیز قرین به حقیقت است، لذا باید پذیرفت که چین خود در موقعیتی قرار دارد که تنها باید به صفت یگانه بازیگر مهم بعد از اشغال افغانستان نقش خود را اجرا نماید.

حسب معلومات واقعی در دست داشته در اوایل این ماه هیات مذاکرات صلح افغانستان بغرض ملاقات با نمایندگان طالبان در اسلام آباد از کابل بصوب پاکستان عزیمت نمودند تا در مورد روند صلح به گفتگو بپردازند - اما به یقین واطمینان کامل باید اذعان کرد که این چنین مذاکرات در اوایل این سال آنطوریکه شایع بود هرگز در چین صورت نگرفته تا چینی ها در آن دخالت داشته و کانال مستقیم ارتباط را با طالبان باز نگه داشته باشند - رویهمرفته بادر نظر داشت این اصل میتوان گفت: که پکن بعنوان میانجی کلیدی در روند صلح افغانستان از هر جهت میتواند بادر نظر داشت عدل و انصاف نقش مهمی بازی کند ولی انکشاف در این روند ممکن حالت بهت و حیرت انگیزی و اشنگتن را فراهم سازد و چین برای پیشبرد این روند گفتگوها دلایل بیشماری با خود دارد.

نخست از همه در درجه اول چین می بیند که افغانستان یکی از کلید های اصلی برای کل استراتژی منطقه ای در واقع جهانی آن، از جاده ابریشم جدید تا سازمان همکاریهای شانگهای میباشد. نشستن و یا حضور داشتن در وسط منطقه ای استراتژیک حیاتی آسیای میانه - افغانستان برای چین از دوجهت میتواند نمایندگی بهتر نماید و یا تسهیلات را فراهم سازد یکی آنکه میواند پلی بین چین و شریک معاملات اقتصادی اش پاکستان باشد و از سوی دیگر کلید راه کشای بصوب جمهوریهای سابق شوروی در آ سیای میانه و افزون بر آن کشور مهم و کلیدی در گره زنی شبکه های بالقوه خط لوله گاز و معبر ما لتجاره در منطقه میباشد.

نباید از نظر دورداشت و آن اینکه پکن قصد دارد تا به صفت یک بازیکن بزرگ در بهره برداری از ثروت معدن افغانستان نقش خود را بازی کند چونکه این کشور سرشار از معدن دست نخورده میباشد - چنانچه جیولوجست های ایالات متحده امریکا طی یک سروی که در بخش معدن افغانستان انجام داده بودند مدعی اند که طور تخمین ثروت ناشی از مینرال های افغانستان ارزش در حدود یک (تریلیون دالر امریکایی) را دارا میباشد که با در نظر داشت همین ثروت سرشار افغانستان را میتوان یکی از باارزشترین سرزمین در تمام جهان شمرد. آهن - مس - کوبالت - طلا - لیتیوم - واکثر مینرال های دیگر را میتوان فقط در زیر زمین در سطح نه چندان ژرف دید که این خود بوضوح چشم انداز فریبنده برای چین میباشد چنانچه همین اکنون امتیاز استخراج معدن مس را در افغانستان با سرمایه گذاری هنگفت خود نسبت به دیگر سرمایه داران در تحت نظر دارد .

در این عرصه ای از دوا دوستد از آنجاییکه چین با رقیب از سالهای طولانی خود هند همیشه در هم چشمی و رقابت قرار دارند - دهلی نیز بحیث یک بازیکن بزرگ با سرمایه گذاری خود توانست تا امتیاز استخراج معدن کلیدی سنگ آهن را در افغانستان بدست آورد . و از سوی دیگر برای آنکه همسایه دیگر افغانستان یعنی ایران در این عرصه نیز به نوبه خود چهره نمایی نماید موضوع بندر چا بهار را روی دست گرفت تا از این طریق بتواند سهم خود را در بهبود دوا دوستد بین همسایه گان در منطقه بجا آورد- نباید از یاد برد و آن اینکه این بندر برای هند و چین در منطقه ارزش حیاتی دارد و آن اینکه این بندر برای سنگ آهن استخراج شده از افغانستان میتواند توقف گاه اخیری باشد بویژه اگر بخواهند این مینرال مادری (سنگ آهن) را به هندوستان انتقال دهند .

نباید موضوع امنیت را نادیده گرفت - چین مانند سایر جوامع و کشورهای بخاطر امنیت و ثبات خود پیوسته در مبارزه علیه افراط گرایان اسلامی به ترس آنکه مبادا پلان اقتصادی راکه تنظیم نموده و در پی تحقق آن میباشد توسط مشتکی از تروریستان مواجه به خطر شود و چنانچه تعداد چندی از این تروریستان در خینیانگ (xinjiang) به نسبت حملات چاقو کشی و بمب گذاری تروریستی فجیع و کشتنده خویش در مدت زمان هژده ماه تعداد از مردم را کشتند و بیشتر از

صدنفر دیگر را مجروح نمودند همچنان چاقو زنی و بمب گذاری کتلوی که در ماه نومبر سال (2014) بواسطه مشتکی از تروریستان آدم کش ایغور (Uighur) در یک ایستگاه ترافیک صورت گرفت جان (18) نفر را گرفت .

بادر نظر داشت آن همه موضوعاتی که در اینجا تحت پوشش و مذاقه قرار گرفت چین نسبت به هر وقت دیگر به کمک ها و پشتیبانی ایران چه در بهبود سکتور اقتصادی و چه در مبارزه ضد تروریزم ضرورت اشد دارد، چین خواهان آنست تا ببیند که ایران عملاً بحیث نیروی محرکه در مبارزه علیه تروئیستهای داعش در افغانستان و به همان نسان در شرق میانه دست بکار میشود و حامیان شبکه تروریستی اعم از عربستان سعودی و ترکیه را که تروریست های ایغور را حمایت می نمایند دست به تخریب آنها زند . باید خاطر نشان ساخت که چین میخواهد تا در افغانستان نقش فعال خود را هم در تامین امنیت ملی و هم بعنوان نیروی بالقوه اقتصادی مرکزی در منطقه بازی نماید گرچه الزامات و یا ضرورت های استراتژیک آن نمیتواند معلوم و یا روشن شود .

با ملاحظه ای آنچه که تا اکنون از آن تاحال ذکر نمودیم - افغانستان در نقطه مرکزی پلانها و برنامه های منطقی ایران و چین قرار دارد و به همین اصل و بنیاد است که نسبت به توضیح موضوعات دیگر موضوع جیوستراتژیک افغانستان برای دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به نیت برهم زدن و از هم پاشیدن اهداف حیاتی ایران و چین اولویت دارد لهد از چشم اندز و اشنگتن هیچ چیزی دیگری نمیتواند که به خود خواهی ها و بلند پروازی های امپریالیستی ایالات متحده امریکا بجز از نارامی و بی ثباتی در افغانستان خدمت شایانی نماید لذا ادامه اشغال و جلوگیری از نفوذ چین در افغانستان هر دو توجیهی قابل ملاحظه پنداشته میشود .

سرانجام یکبار دیگر میتوان چنین نتیجه گرفت که دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بعنوان افزار مناسب برنامه ریزی شده ای برای حفظ و تامین قدرت غرب میباشد و یا به عباره دیگر دولت اسلامی عراق و شام در حفظ و استحکام بخشیدن قدرت اقتصادی غرب ابزار مناسب و درخور ستایش میباشد . که بدون شک و شبهه طراحان استراتژی در تهران و پکن این موضوع را با تمام ابعاد آن میدانند و می فهمند . پس سوال این چنین است :

ایا ایشان توان توقف فعالیت های خرابکارانه ای آنها را دارند؟
با تقدیم احترامات